

ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم جبهه‌گی یک عده انسان

خلاصه جلسه بیست و سوم: ولایت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه اول مباحث ولایت با مرور نکات اصلی بحث نبوت، مانند هدف بعثت که ساختن انسانها در چارچوب نظام اسلامی است، ارتباط مبحث ولایت و نبوت را با این تعبیر که «مسئله‌ی ولایت در دنباله‌ی بحث نبوت است، یک چیز جدای از بحث نبوت نیست. مسئله‌ی ولایت، در حقیقت تئمه و ذیل و خاتمه‌ی بحث نبوت است. حالا خواهیم دید که اگر ولایت نباشد، نبوت هم ناقص می‌ماند» بیان کردند.

ایشان با طرح ویژگی‌های جامعه اسلامی مانند حکومت خدا در جامعه، جاری شدن حدود الهی در آن و اجرای مقررات الهی در قالب دین، بیان کردند: «هر که بخواهد خوب باشد، در جامعه‌ی پیغمبر می‌تواند خوب باشد؛ در جامعه‌های غیر الهی این جوری نیست. در جامعه‌های غیر اسلامی و غیر الهی، آدم‌ها می‌خواهند خوب باشند، نمی‌توانند؛ شما دلت می‌خواهد متدین باشی، نمی‌توانی.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه به بحث پایه‌ای ولایت، یعنی نیاز جامعه اسلامی در ابتدا به جمع پیوسته متحد دارای ایمان پرداخته و آن را «جبهه مسلمانان استوار مؤمن نافذ القلب در مقابل کفر» دانستند.

ایشان در ادامه دو نوع ولایت را معرفی کردند؛ ولایت مؤمنان بر هم و ولایت ولی الله. ایشان با انتقاد از تعریف ولایت ائمه به معنای دوست داشتن، معنای صحیح آن را اتصال و پیوستگی بیان کردند. در پایان نیز با آیات قرآنی مرتبط با ولایت، این مبانی را تبیین نمودند.

 جلسه ۲۳: ولایت ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم جبهه‌گی یک عده انسان			
آیات ۱ تا ۶ سوره‌ی مبارکه‌ی ممتحنه			آیات این جلسه
جامعه اسلامی	بهم پیوستگی و هم جبهه‌گی	ولایت	فکر واحد
نکات کلیدی			واژگان کلیدی
نکات کلیدی			آیه
<p>بعضی‌ها معنا می‌کنند: دشمن من و دشمن خودتان را دوست خود مگیرید، این معنای کاملی نیست. فقط مسئله‌ی دوستی و محبت نیست، بالاتر از اینهاست. ولی خودتان نگیرید؛ یعنی هم جبهه‌ی خودتان ندانید، یعنی خودتان را در صف آنها قرار ندهید، یعنی در دل، خودتان و آنها را در یک صف فرض نکنید.</p> <p>اگر در راه جهاد و مجاهدت و کوشش برای من خارج شدید و برای به دست آوردن خشنودی من، اگر واقعاً راست می‌گویید، حق ندارید آن که دشمن من و دشمن شماست، هم جبهه و یار و پیوسته‌ی خودتان قرار بدهید.</p> <p>هرکس از شما که این کار را انجام بدهد، با دشمنان خدا طرح دوستی و یابوری [در نهان و خفا] بریزد، خودش را هم جبهه‌ی آنها بداند و نشان بدهد، راه میانه را گم کرده است.</p> <p>آیات، شأن نزولش، درباره‌ی حاطب ابن ابی بلتعنه است. حاطب ابن ابی بلتعنه یک مسلمان یک خُرده کم ایمانی بود. این، وقتی که پیغمبر اکرم می‌خواست برود به جنگ با کفار قریش، فکر کرد، که ممکن است که پیغمبر در این جنگ مغلوب بشود و خویشاوندان او که در میان کفار هستند، مورد آسیب قرار بگیرند و این جزو سربازان پیغمبر است. اینجا زنگی خواست به خرج بدهد، یک مردردندی به خرج داد.</p>			<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱)</p> <p>ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را «ولی» و هم جبهه‌ی خود مگیرید. که پیام دوستی به آنان بفرستید. در حالی که به اندیشه‌ی حقی که بدان گرویده‌اید، کفر و انکار نموده‌اند. پیامبر و شما را از شهرتان برون می‌رانند چرا که به خدا، پروردگارتان، ایمان آورده‌اید.</p>

حالا که ما کنار پیغمبر هستیم، در رکاب پیغمبر، جهاد هم که می‌کنیم، ثواب مجاهدین در راه خدا را هم که می‌بریم، احتیاطاً یک نامه‌ای هم بنویسیم به کفار، اینجا دوستی و وفاداری خودمان را نسبت به آنها هم اعلام کنیم.... یک نامه‌ای برداشت نوشت به سران قریش، امضا هم کرد پای آن را. خودش را هم خوب معرفی کرد تا بدانند که این، با آنها خوب و دوست و مهربان است. ... پیغمبر عزیز و گرامی، با وحی خدا از ما اجرا مطلع شد. امیرالمومنین را و یکی، دو نفر دیگر را فرستاد، بین راه رفتند آن [پیک] زن را پیدا کردند، تهدیدش کردند و کاغذ را از او گرفتند. بعد که [حاطب ابن ابی بلتعه] آمد، پیغمبر گفت: خب، چرا این کار را کردی مرد؟ چرا اسرار نظامی و جنگی را فاش میکنی برای دشمن؟ گفت: یا رسول الله، من آنجا دوستانی دارم، خویشاوندانی دارم، می‌ترسم آنها مورد زحمت قرار بگیرند، خواستم این نامه را بنویسم که شاید دل آنها یک قدری نسبت به من نرم بشود.

اگر برای جهاد در راه من و به جستجوی خشنودی من بیرون آمده‌اید (باید که آنان را هم جبهه مگیرید) با آنان در نهان خود دوستی می‌بازید که من به هرچه پنهان نموده یا آشکار ساخته‌اید دانانم. هر که از شما چنین کند از راه میانه گمراه گشته است.

آیه در جواب می‌گوید: اشتباه نکنید، دل آنها با شما نرم نخواهد شد. آن کسانی که از لحاظ فکری ضد شما هستند، آن کسانی که دین شما، ایمان شما، به زبان آنهاست و آنها همت بر نابودی دین و ایمان گماشته‌اند، اینها هرگز با شما مهربان و دوست نخواهند بود..... « یَکُونُوا لَکُمْ اَعْدَاءً » « دشمن شما خواهند بود... فردا اگر بر شما مسلط بشوند، همین یک ذره عقیده‌ی قلبی را هم نمی‌گذارند شما نگه دارید، دوست می‌دارند که شما کافر بگردید. خیال نکنید که آزاد و راحت می‌گذارند شما مسلمان بمانید و به وظایف اسلامی‌تان عمل کنید.

اِنَّ يَتَقَفُّوْكُمْ يَكُوْنُوْا لَكُمْ
اَعْدَاءً وَيَبْسُطُوْا اِلَيْكُمْ اَيْدِيَهُمْ
وَالسَّيِّئَاتُ بِالسُّوْءِ وَّوَدُّوْا لَوْ
تَكْفُرُوْنَ (۲)

اگر بر شما دست یابند برای شما دشمنانی خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی روی شما خواهند گشود و بسی دوست می‌دارند که شما کافر گردید.

شما برای خاطر فرزندان، برای خاطر قوم و خویش‌هایتان، برای خاطر آفازده‌تان، برای خاطر آسایش نزدیکانتان، حاضرید با دشمن خدا بسازید؟ برای جلب دوستی بندگان ضعیف خدا و جلب منافع خودتان و نزدیکانتان، حاضرید از فرمان خدا بگذرید، با دشمن خدا دوستی کنید؟ مگر چقدر این ارحام و اولاد به درد آدم میخورند؟ مگر این جوانی که شما برای خاطر شغلش، برای خاطر بورسش، برای خاطر کاسی‌اش در میان کفار قریش، حاضری با کفار قریش بسازی، چقدر به درد تو خواهد خورد بیچاره؟ چقدر تو را از عذاب خدا نجات خواهد داد؟

در روز قیامت انسان این قدر خودش گرفتار است که به گرفتاری دیگران نمی‌رسد، حتی فرزندش. یک خاری به دست فرزندت می‌رود، حاضری دنیا و آخرت را قربانش کنی؟ بیچاره! روز قیامت از او خواهی گریخت. اگر ما بفهمیم منطق قرآن را در این زمینه، بدانید آن کسانی که برای خاطر آسایش و راحتی فرزندان‌شان حاضرند به سعادت دنیا و آخرت پشت کنند، و حاضرند به بدبختی‌ها و شقاوت‌ها و تیره‌روزی‌ها رو کنند، اگر بدانند این منطق قرآن را، شاید تکان بخورند.

لَنْ تَنْفَعَكُم أَرْحَامُكُمْ وَلَا
أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ
بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
بَصِيرٌ (۳)

خویشان و فرزندان‌تان به شما سودی نمی‌بخشند، روز قیامت میان شما جدایی می‌افکند و خدا به آنچه می‌کنید بیناست.

به مؤمنین می‌گوید: مؤمنین، شما را در عمل ابراهیم و پیروان ابراهیم سرمشقی نیکوست. ببینید ابراهیم و پیروانش، همراهانش چه کردند، شما هم همان کار را بکنید. آنها چه کردند؟ آنها صاف و صریح رو کردند به قوم گمراه زمان خودشان، به بندگان طاغوت و آلهه‌ی دروغین زمان، گفتند ما از شما و خداوندگارانتان بیزاریم، ما به شما کفر ورزیدیم، ما از شما رو گرداندیم، میان ما و شما

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ
فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ
قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ
وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ
الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى

تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ
إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ
لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ
مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ
تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ
الْمَصِيرُ (۴)

در کار و روش ابراهیم و همراهیانش برای شما سرمشقی نیکوست، آنگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از هرآنچه به جای خدا عبودیت می‌کنید، بیزار و بری هستیم. به شما کفر و انکار آوردیم و میان ما و شما دشمنی و کینه پدید آمد (و چنین خواهد بود) تا وقتی که به خدای یگانه ایمان بیاورید. (آری، ابراهیم و مؤمنان جز اعلام بیزاری سخنی با بت پرستان نداشتند) مگر سخن ابراهیم به پدرش (عمویش) که گفت: من برای تو (در صورتی که دست از دشمنی و کینه با حق برداری) آمرزش خواهم خواست و در برابر خدا به سود تو اختیار چیزی را ندارم. پروردگارا! بر تو توکل کردیم، و به سوی تو بازگشتیم، و بازگشت به سوی توست]

همیشه‌ی زمان، بغض و دشمنی، عداوت و خشم و کینه برقرار است. فقط یک راه آشتی وجود دارد و آن «حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ» بیایید داخل منطق فکری ما بشوید. صریحاً می‌گوید: مؤمنین، شما هم مثل ابراهیم عمل کنید.

بخشی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۹/۰۷/۱۳۵۳ در مسجد امام حسن علیه السلام مشهد:

در اصطلاح اولی قرآنی، ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم جبهه‌گی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه دارند قدم برمی دارند، برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت می‌کنند، یک فکر را و یک عقیده را پذیرفته‌اند. هر چه بیشتر این جبهه باید افرادش به همدیگر متصل باشند و از جبهه‌های دیگر و قطب‌های دیگر و قسمت‌های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند، چرا؟ برای اینکه از بین نروند، هضم نشوند. این را در قرآن می‌گویند ولایت.

پیغمبر جمع مسلمان آغاز کار را، با این پیوستگی و جوشندگی به وجود می‌آورد، اینها را به همدیگر متصل می‌کند، اینها را با هم برادر می‌کند، اینها را به صورت یک پیکر واحد در می‌آورد، به وسیله‌ی اینها امت اسلامی را تشکیل می‌دهد، جامعه‌ی اسلامی را به وجود می‌آورد. از پیوند اینها با دشمن‌ها، با مخالفین، با معاندین، با جبهه‌های دیگر... جلوگیری می‌کند. مابین اینها و جبهه‌های دیگر جدایی می‌اندازد، از پیوستن به جبهه‌ی یهود، از پیوستن به جبهه‌ی نصارا، از پیوستن به جبهه‌ی مشرکین، اینها را بازمی‌دارد و هر چه بیشتر سعی می‌کند صفوف اینها را فشرده و به هم جوشیده بکند. برای چه؟ برای اینکه اگر اینها به این حالت نباشند، اگر ولایت نداشته باشند، اگر بهم پیوسته‌ی صد درصد نباشند، میان آنها اختلاف به وجود بیاید، از برداشتن بار امانتی که بر دوش آنهاست، عاجز خواهند ماند. نمی‌توانند این بار را به سر منزل برسانند.